

ترجمه سخنرانی آقای کامبورد



مستشار فرهنگی سفارت کبرای

فرانسه در دانشکده ادبیات

تبریز روز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۷

آقای رئیس دانشکده آقایان :

من اولاً از هیئت استادان دانشکده ادبیات تبریز راجع به پیشنهاد ایراد سخنرانی بفرانسه تشکر میکنم و از آقای دکتر بیانی رئیس دانشکده ادبیات یکی از مورخین عالی مقام و مدیران لایق که افتخار دوستی ایشانرا از دو سال قبل با اینطرف دارم خواهش میکنم مراتب سپاسگزاری مرا قبول فرمایند و نیز بخود اجازه میدهم به همکاران ایشان آقایان چرجانی که مدتی ریاست اداره روابط فرهنگی را با خارجه در وزارت فرهنگ عهده دار بودند و همچنین آقای دکتر تعلیمی که دارای تحصیلات علمی و فلسفی بوده و متخصص علم تعلیم و تربیت است و یکی از پیشقدمان تأسیس دانشکده ادبیات تبریز می باشند سلام و ادعیه خالصانه خود را برسانم . علت حضور اینجانب در این جلسه فقط برای ابراز احساسات صمیمانه و یاد آوردی روابط دوستانه است که ایرانرادر زمینه مسائل فرهنگی بافرانسه مربوط ساخته است و از لحاظ شخصی خوشوقتم که هر وقت فرصتی دست میدهد بشغل اصلی خود یعنی استادی برمیگردم و اما از لحاظ رسمی یعنی بعنوان مستشار فرهنگی سفارت کبرای فرانسه در ایران خوشنودم که سلام

دانشگاه فرانسه و میهن خود را بدوستان ایرانیم برسانم .
 روابط فرهنگی بین دانشگاه ایران و دانشگاه فرانسه از دیر بازی
 برقرار شده است بین دانشمندان خارجی و مردان سیاسی که افتخار این
 را داشته‌اند که از طرف دانشگاه تهران بعنوان دکتر افتخاری انتخاب
 شوند عده زیادی فرانسوی وجود دارد که بین آنان میتوانیم آقای
 پرزیدان هریو (۱) که با وجود اشتغال امور سیاسی توجه خاصی بمسائل
 روحانی دارد و عضو آکادمی فرانسه است و همچنین آقای آبل هونورا (۲)
 وزیر سابق و مؤسس و رئیس کوی دانشگاه پاریس و آقای لوئی ماسیون (۳)
 استاد کلژ (۴) دوفرانس و عضو فرهنگستان سلطنتی مصر و عضو
 فرهنگستان ایران و آقای امیل بن ونیست (۵) استاد کلژ دوفرانس که اخیراً از
 مملکت شما علاوه بر مدارك و تحقیقات متعددی در باره زبان شناسی یادگار-
 های فراموش نشدنی با خود بفرانسه آورده است و بالاخره آقای پرفسور
 لمیر (۶) استاد جهانی تشخیص امراض در آکادمی طب فرانسه را نام
 ببرم . اخیراً نشریه دانشگاه پاریس خبر خوشی را منتشر ساخت و آن
 عبارت بود از خبر ایجاد يك مؤسسه عالی برای مطالعات مسائل مربوط به
 ایران که پس از طی دوره آن بکسانیکه در این مؤسسه تحصیل خواهند
 کرد دیپلوم لیسانس داده خواهد شد .

از اینجا معلوم میشود که دانشگاه کهن سال سوربن (۷) با اتکاء
 بآداب و رسوم و سنن قدیمه عشق دیرین خود را بایران نشان داده است

۱ - Président Herriot .

۲ - Abel Honorat .

۳ - Louis Massignon .

۴ - collège de France .

۵ - Emile Benveniste .

۶ - Lemièrè .

۷ - Sorbonne .

و باردیگر علاقه محیط علمی فرانسه را بفرهنگ چند هزار ساله ایران یعنی مملکت زیبای شما ثابت کرده است .

آقای دکتر بیانی رئیس دانشکده ادبیات تبریز از من خواهش کردند تا در باب یک موضوع کلی یعنی «دوستی فرهنگی بین ایران و فرانسه» صحبت بکنم با اینکه فوراً تقاضای ایشانرا پذیرفتم ولی بزودی دریافتم که بعلمت همراه نداشتن مدارك لازم برای ایراد چنین سخنرانی حق مطلب را آن طوریکه شاید و باید ادا نخواهم کرد و آقای دکتر بیانی که خود یک مورخ دقیقی هستند و مثل مورخ نامی فرانسوی فوستل دو کولانژ (۸) مدارك صریح در این باب خواهند خواست از من راضی نخواهند شد . امیدوارم علم تاریخ که متکی بمدارك متقنی باید باشد نسبت بمن که از کتابخانه خود دور افتاده‌ام سختگیری نکند .

دوستی فرهنگی بین ایران و فرانسه خیلی ساده میباشد ولی درعین حال سرشار از لطائف و دقایق است زیرا علل دوستی قابل تجزیه نیست گاهی اتفاق می افتد که بین مللی که هیچ شباهتی بایکدیگر ندارند علائق و ارتباطاتی برقرار میشود که شیه بدوستیهای دیرینه است که مصنفین کتب لاتینی در قرون گذشته در کتابهای خود اشاره ای باین نوع دو - ستیهای بی جهت کرده اند . این دوستی نظیر احساساتی است که موتین (۹) یکی از نویسندگان فرانسه در موقع صحبت از دوست خود لابواسی (۱۰) به بیان آنها می پردازد . میگوید ما باهم دوست بودیم زیرا «او بود و من بودم» . اما در مورد دوستی ایران و فرانسه دلائل صریح و روشن دیگری وجود دارد که بذکر یکی از آنها می پردازم میگویند ایرانیان فرانسویان آسیا هستند این مثل سالها است که در

۸ - Fustel de Coulange .

۹ - Montaigne .

۱۰ - La Boétie

زبان عموم جاری است ولی من شخصاً میگویم با اینکه در اکثر ممالک شرق مثل ترکیه و سوریه و مصر و عراق و لبنان زندگانی کرده‌ام ولی در هیچ‌یک از این کشورها خود را مثل ایران در خانه خود ندیده‌ام و صادقانه تکرار میکنم که این ضرب‌المثل دارای مبانی صحیحی است. دو وجه شبه یکی تاریخی و دیگری جغرافیائی سبب شده است که بین فرانسه و ایران یک خویشاوندی روحانی ایجاد شود در اثر بازبودن سر - حدات فرانسه مخصوصاً از جانب شمال شرقی و بعثت آغوش باز مردم این سامان کشور، بهترین نقطه برای قبول مهاجرین نژاد سفید است و چهار راهی است که تمام تهاجمات اقوام برابر به آنجا ختم شده و مبدء پیدایش تمام نهضت‌های روحانی و زیارت‌های مذهبی است از طرف دیگر فرانسه مثل صفا است که بادی که از اوقیانوس برمیخیزد از آن عبور کرده و در عین حال ساحلی است که امواج و گرداب‌های درهم و برهم اقوام مهاجر و توده‌های بشر در کنار آن میخوردند. در ناحیه شان کاتالونیک (۱۱) وتل بیک و پواتیه فرانسه را میتوان بمثابه تخته‌سنگی دانست که امواج تمدن‌های مبهم مثل تمدن هسن، ویکینس و مور (۱۲) با آن تماس پیدا کرده و پس از اشغال این سرزمین در صدد تجزیه و تخریب و قطع قطعه ساختمانی آن برآمده‌اند ولی نتوانستند ظاهر خشن و مستحکم آنرا عوض کنند فرانسه مثل چهار راهی است که هدیر آنرا برای برخورد این اقوام معین نموده و این کشور مأموریت خود را که عبارت از نشر و بسط دانش است هنوز انجام میدهد. مردم فرانسه باشور و کنجکاو و آثار مشرق اروپا و طرز تکلم مردم آنجا را طالبند و در عین حال ترجمان آناری هستند که از قاره جدید یعنی آمریکا به آنجا میرسد. خاک فرانسه برای

۱۱ Champs catalonique Tolbiac poitier.

۱۲ - Huns Vikings, Maures.

مردم شرق و ساکنین دنیای جدید بمنزله محضری است جهانی که در آنجا تمام آثار فکر آنان وارد طرح ادبیات دنیائی میشود اما ایران بقول ادوار براون (۱۳) مثل پلی است که بین آسیای شرقی و قسمت آسیائی آفریقا بنا شده و معبری است که تهاجمات متوالی از آنجا صورت گرفته و مکانی است که تمدنهای مختلف آثار گوناگونی در آنجا از خود باقی گذارده‌اند و سرزمینی است که از طرفی تحت تاثیر ساکنین اطراف مدیترانه و تمدن معرب و از طرف دیگر تحت نفوذ تمدن سایر قسمت‌های آسیا و هندوستان واقع شده و در عالم ادبیات مرز و بوم ممتازیست که می‌بایستی در آنجا ادبیات بعد اعلای درجه کمال برسد .

با وجود این تهاجمات اقوام مختلف معذک در عالم تمدن ایران اصالت خود را حفظ کرده است . در حفاریها ظروفی بدست می‌آید که نقش و نگار دوره مغول بر آنها کشیده شده ولی اگر درست دقت شود آثار روح و ذوق ایرانی در آنها پیدا است میل پیادامه حیات و بقاء زندگانی در فرانسه و ایران بیک درجه دیده میشود سیاح معروف فرانسوی کنت دو گوینو (۱۴) میگوید فرض کنید در بستر سیلابی سنک عظیمی افتاده است در بهار و تابستان موقع طغیان رود گاهی از اوقات آب این سنک را از جای خود حرکت میدهد ولی وقتی که ابرهای طوفان در آسمان پراکنده شدند سیل میگذرد و سنک بر جای خود میماند . این قضاوت در باره تحولات تاریخی فرانسه و ایران صادق است .

برای اینکه فرانسه بتواند از حاصل ادبی خود چیزی بدیگران بدهد باید ابتدا از سایر مردم جهان چیزی بستاند . و قبل از اینکه ادبا و نویسندگان

۱۳ - Edvard Brovne .

۱۴ - Comte de Gobinau .

فرانسه پیام منجز و بلیغ خود را بگوش جهان برساند ناگزیر است حملات قوای غریزی مبهم دیگران را که نشانه قدرت بدون اراده و وجدان است تحمل کند ولی پادشاه قبول این حملات جنبه جهانی است که آثار ادبی او دارا میباشد.

صد سال قبل وقتیکه پادشاهان ایران خواستند مدیران و مدبران ایران را با تمدن مغرب آشنا سازند و تصمیم گرفتند عده‌ای دانشجو با اروپا اعزام دارند کشور فرانسه را مناسبترین نقطه‌ای برای انجام این منظور تشخیص دادند. و همان رشته دوستی نهانی سبب انتخابی گردید که توام با نهایت بصیرت است هیچ کشوری بهتر از کشور فرانسه نمیتوانست این مأموریت را انجام دهد زیرا مدت‌هاست که بقول کیپ‌لینگ (۱۵) ملت فرانسه بار تربیت نژاد سفید را بدوش گرفته و سنگینی این بار را بدون تکبر و چشم‌داشتی مجانا تحمل کرده است و در ازاء این خدمت چیزی از کسی نمیخواهد و تنها توقعش رفتار متقابل دوستانه و بی‌ریای ملل دیگری است و بوسیله همین گذشتها ملت فرانسه توانسته است راه نفوذ معنوی خود را باز کند. وقتیکه ما از معنویات خود ارمغانی برای ملل شرق می‌آوریم در مقابل نیز تقاضا داریم که آنها هم آنچه از این متاع از اجداد خود بارت برده‌اند در اختیار ما بگذارند. زیرا ما بخواسته معنوی همه ملل بدیده احترام مینگریم و از راه تماس با آن میتوانیم بمنابع ثروت اخلاق و ادبی خود بیفزائیم. آنچه فرانسه در اختیار دیگران میگذارد فقط مجموعه یک عده قوانین و طرق علمی تنها نیست زیرا میدانیم که طرق علمی اگر همراه با فرهنگ مناسبی نباشد بدون شك بلا تأثیر خواهد ماند نکته دیگری را باید تذکر بدهم و آن اینست که فرانسویان یکی از بهترین مرییان در دنیا میباشدند. در هر فرانسوی قدرت تعلیم و تربیت نهفته است و تنها اثر وضوح و صراحت بیان اشخاصی امثال دکارت در زبان فرانسوی

دیده نمیشود بلکه قبل از هر چیز احساسات رقیق اوست که دیگران را بسمت وی میکشاند خدمت در راه نوع بشر را هر فرد فرانسوی توأم با مهمان نوازی میداند. و از بذل و بخشش امساک نمیکند اگر ما چیزی داشته باشیم نمیخواهیم مخفی کنیم بلکه خوشوقت خواهیم بود که نفعی از آن بسایرین برسد. و من صمیمانه تصور میکنم که ملل دیگر بهمین دلیل بیشتر مایلند که بوسیله فرانسویان یتمدن و فرهنگ غرب آشنا شوند. فرانسه مثل لباس برارزنده ای بانیدام نوع بشر است

مناظر زیبا و آب و هوای معتدل آن درس نیکبختی و سعادت را میدهد فرانسوی باچیز فوق العاده و محیر العقول سروکار ندارد و اعتدال و میانه روی را از دست نمیدهد و در سرزمینی که بزور جاندار تمدنهای کهن سال آراسته است با حزم و احتیاط قدم برمیدارد و بعلاوه اشیاء بیفایده ای که زائیده فعالیت بشر است مثل شعر و ادب و صنایع ظریفه را دوست میدارد.

مردم ایران نیز در این انتخاب با ما شریکند و پیدایش این تمایلات موازی و منقارن نتیجه تصادف نیست بلکه وجود این سابقه مشترک علت استحکام پایه مودت و دوستی ثابت بین همه ملل جهان و مخصوصاً بین فرانسه و ایران میباشد.

دلایل دیگری برای بقاء پیوند دوستی بین دو کشور ما وجود دارد ولی چون بعد کافی از توجه شما بگفته های خود استفاده کرده ام موضوع علل دوستی بین ایران و فرانسه را که خیلی شائق به بحث بیشتری در اطراف آن بودم ناتمام بگذارم و امیدوارم دانشکده ادبیات تبریز تحت توجهات مخصوص اعلیحضرت همایونی و سرپرستی مؤسسين روشن ضمیر آن در راه ترقی فرهنگ و رسیدن بکمال مطلوب و تربیت نسلهای جوان در این شهرستان زیبای کشور مهمان نواز ایران قدمهای سریعی بردارد و به مدارج عالی کمال برسد.